

صلاحیت رئیس قوه قضائیه در ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی

امین‌اله زمانی*

محمدحسن باقری خوزانی**

چکیده

یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه با استناد به بند دوم اصل (۱۵۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی» است. اصل (۷۴) قانون اساسی نیز رعایت تصویب لوایح قانونی در هیأت وزیران جهت ارسال به مجلس شورای اسلامی را الزامی دانسته است. یکی از موضوعات محل اختلاف در این زمینه، امکان ارسال مستقیم لوایح قضایی از سوی رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی است. این پژوهش با نگاهی توصیفی - تحلیلی و با تبیین هدف قانون‌گذار اساسی، تعریف واژه «لایحه» در اصول قانون اساسی و استناد به اصل استقلال قوا و برخی از نظرات شورای نگهبان، صلاحیت رئیس قوه قضائیه در ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: لایحه، لوایح قضایی، لوایح قانونی، رئیس قوه قضائیه، اصل ۱۵۸ قانون اساسی.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق (ع) Aminezamani@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد (نویسنده مسئول)

Mohamadhasan92@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۲۸

ابتکار قانون، به حق ابداع و پیشنهاد متنی در جهت وضع قانون جدید یا اصلاح قانون اشاره دارد که به عنوان مرحله مقدماتی فرآیند تصویب قوانین در مجالس قانون گذاری با توجه به نوع رژیم سیاسی به طرق مختلفی قابل اعمال است. اصول مختلفی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صلاحیت ابتکار قانون در فرآیند قانون گذاری در ایران اشاره می نماید و در این خصوص دولت، مجلس، شورای عالی استان ها و قوه قضاییه صلاحیت ابتکار قانون را دارند. بند دوم اصل (۱۵۸) قانون اساسی «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی» را به عنوان یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه بر شمرده است. در خصوص صلاحیت رئیس قوه قضاییه در ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی، از آنجا که در دولت دهم در برخی مواقع این لوایح به مجلس ارسال نمی شد، «قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه» مقرر داشته است: «در صورتی که دولت در مدت مذکور [= سه ماه] نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضاییه می تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند.» مطابق این تبصره، قانون گذار عادی صلاحیت ارسال مستقیم لوایح قضایی از سوی رئیس قوه قضاییه به مجلس را بدون تصویب هیأت وزیران در شرایطی به رسمیت شناخته است. با این حال در خصوص صلاحیت اعطایی به رئیس قوه قضاییه در ارسال مستقیم لوایح قضایی با توجه به اصول قانون اساسی همچنان اختلاف نظر وجود دارد. لذا بررسی این موضوع در حوزه حقوق سیاسی جمهوری اسلامی ایران و بررسی استدلال پذیرفته شده در حقوق عمومی اهمیت دارد.

بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر ناظر بر امکان قانونی و حقوقی صلاحیت رئیس قوه قضاییه در ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس است. به بیان دیگر آیا می توان در کنار سایر مراجع صالح پیش بینی شده در قانون اساسی که صلاحیت ارسال طرح ها و لوایح را به مجلس دارند، چنین صلاحیتی را برای رئیس قوه قضاییه در ارسال مستقیم لوایح قضایی قائل شد؟ مخالفان به استناد اصول (۷۴)، (۷۵) و (۱۵۸) قانون اساسی، ارسال مستقیم لوایح قضایی از سوی رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی را مغایر با قانون اساسی می دانند.

تحلیل سؤال اصلی، ابتدا مستلزم پاسخ گویی به سئوالات فرعی از قبیل مفهوم لایحه و طرح، ابتکار قانون گذاری و لوایح قضایی است.

۱. لایحه و طرح قانونی

پیشنهادی که به موجب آن نمایندگان مجلس می‌توانند درخواست تصویب قانون را به مجلس ارائه دهند «طرح» نامیده می‌شود.^۱ لایحه^۲ نیز به مصوبه پیشنهادی از سوی دولت برای تصویب در مجلس گفته می‌شود.^۳ «ایجاد نظم عمومی و تأمین نیازمندی‌های عمومی» از طرف دولت،^۴ مبنای تهیه پیش‌نویس لوایح توسط وزیران مربوط و تصویب آن در هیأت دولت و در نهایت تقدیم آن به مجلس شورای اسلامی است.^۵ قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر همین مبنا در اصل (۷۴) قانون اساسی، لوایح قانونی را مصوبه هیأت وزیران دانسته و پیشنهادات نمایندگان مجلس در راستای تصویب قانون را به عنوان طرح شناسایی کرده است.^۶

۲. ابتکار قانون‌گذاری

ابتکار قانون به عنوان گام نخست تقنین به معنای «حق ابداع و پیشنهاد متنی در جهت وضع قانون جدید یا اصلاح قانون موجود است.»^۷ متناسب با نوع نظام‌های سیاسی، صلاحیت ابتکار یا پیشنهاد قانون متفاوت بوده و به صورت کلی در نظام پارلمانی پیشنهاد قانون توسط نمایندگان مجلس و یا هیأت دولت انجام می‌شود و این در حالی است که در نظام‌های ریاستی تنها نمایندگان مجلس صلاحیت ابتکار قانون را دارند.^۸ به موجب اصول (۷۴)، (۱۰۲) و (۱۵۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابتکار قانون‌گذاری می‌تواند از طریق دولت، مجلس، شورای عالی استان‌ها و رئیس قوه قضاییه و به صورت لایحه [قانونی]، طرح [قانونی] یا لایحه قضایی، اعمال شود. لایحه قانونی باید مضمی به امضای رئیس جمهور، وزیر یا وزرای مسئول بوده^۹ و شرایط شکلی و ماهوی (عنوان، موضوع، ادله توجیهی و ...) نیز در آن رعایت شده باشد.^{۱۰} لوایح

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷، ص. ۴۲۸.

2. Bill

۳. بابایی، پرویز، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، چاپ اول، انتشارات نگاه، ۱۳۹۱، ص. ۷۰۷.

۴. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، جلد دوم، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۳، ص. ۳۱۸.

۵. مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، نشر دادگستر، ۱۳۹۱، ص. ۳۱۹.

۶. اصل (۷۴) قانون اساسی اشعار می‌دارد: «لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.»

۷. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص. ۴۳۱.

۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، چاپ چهاردهم، نشر میزان، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷.

۹. ماده (۱۳۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

۱۰. ماده (۱۳۴) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

مزبور با تصویب نمایندگان مجلس، به صورت یک‌فوری، دو فوریتی و سه‌فوری در مجلس مطرح می‌شوند.^۱ طرح‌های قانونی نیز با امضا و ذکر نام حداقل پانزده نفر از نمایندگان، قابل ارائه و پیشنهاد در مجلس هستند.^۲ علاوه بر این شورای عالی استان‌ها به استناد اصل (۱۰۲) قانون اساسی، حق ابتکار قانون‌گذاری را دارد. مطابق با این اصل شورای عالی استان‌ها می‌تواند طرح را تهیه و به طور مستقیم و یا از طریق دولت جهت تصویب به عنوان قانون پیشنهاد کند.

۳. لایحه قضایی و ابتکار آن

یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه به موجب اصل (۱۵۸) قانون اساسی، تهیه لوایح قضایی است. اصطلاح «لایحه قضایی» متشکل از دو واژه «لایحه» و «قضایی» است. مفهوم لایحه از جهت لغوی در زبان فارسی به معنای طرح، مکتوب^۳ و نوشته‌ای که وکیل دادگستری در دفاع از دعوا به دادگاه می‌دهد^۴ استعمال می‌شود. قضایی نیز، صفت نسبی است که بر هر آنچه که منسوب و مربوط به قضا و داوری است، دلالت می‌کند.^۵ بنابراین، عبارت «لایحه قضایی» در معنای لغوی آن به معنای نوشته و مکتوبی است که محتوای آن مربوط به امور قضایی است. در معنای اصطلاحی «لایحه قضایی» در خصوص شمول محتوای لوایح مزبور میان دیدگاهی مضیق و حداقلی (شامل امور قضایی محض) و دیدگاهی موسع و حداکثری (اعم از امور قضایی محض و امور اداری و مالی مرتبط) بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد. برخی از نویسندگان امور اداری، استخدامی، مالی مرتبط با دستگاه قضایی را از آنجا که به صورت غیرمستقیم بر عملکرد قضایی نظام قضایی تأثیرگذار است، لوایح قضایی در مفهوم موسع آن تعریف کرده‌اند.^۶ با این حال شورای نگهبان به عنوان مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی، در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ با اعلام نظر تفسیری خود سعی در ارائه مبنایی برای تعیین مفهوم «لوایح قضایی» و همچنین تبیین ارتباط رئیس قوه قضاییه و هیأت وزیران در ارائه این قبیل از لوایح داشته است. بر این مبنا شورای نگهبان در مقام تفسیر

۱. ماده (۱۵۸) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

۲. ماده (۱۳۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.

۳. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، چاپ اول، زیر نظر دکتر سیدجعفر شهیدی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص. ۲۴۹۲.

۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ بیست و پنجم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸، ص. ۳۵۴۸.

۵. همان، ص. ۲۶۸۵.

۶. مرادی برلیان، مهدی، مفهوم لوایح قضایی و آثار حقوقی آن، پژوهشگاه قوه قضاییه، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۴، ص. ۴.

بند دوم اصل (۱۵۸) و ضمن پذیرش دوگانگی «لوائح قضایی» و «لوائح قانونی» و تمایز میان آنها بیان می‌دارد: «فرق لوائح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوائح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به ویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.»^۱ با توجه به فصل یازدهم قانون اساسی، که در بردارنده وظایف و اختیارات قوه قضاییه و رئیس قوه قضاییه و مشتمل بر کلیه امور خاص قضایی، استخدامی، مالی و اداری نظام قضایی است، به نظر می‌رسد که رویکرد تفسیری شورای نگهبان پذیرش بیانی موسع از لوائح قضایی است.

۴. فرآیند شکلی تصویب لوائح قضایی

به استناد بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ابتکار لوائح قضایی و تأمین و تأیید محتوا و ماهیت این لوائح از سوی رئیس قوه قضاییه مشخص شده است و از این جهت اختلافی میان شارحین قانون اساسی وجود ندارد. شورای نگهبان نیز، در مواردی از مصوبات که وظیفه لوائح قضایی را بر عهده فرد دیگری غیر از رئیس قوه قضاییه دانسته، مغایر با اصل (۱۵۸) قانون اساسی تشخیص داده است و به همین خاطر در بررسی لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران «تجویز تنظیم لایحه قضایی در مورد جرایم سیاسی در بند (و) ماده (۱۰۱) به دولت را مغایر بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی»^۲ تشخیص داد.^۳ لیکن، فرآیند شکلی تصویب این لوائح، میان ارسال مستقل و مستقیم آنها و یا ارسال غیرمستقیم لوائح قضایی و از طریق هیأت وزیران به مجلس شورای اسلامی به دلیل ابهام ظاهری میان برخی از اصول قانون اساسی، محل اختلاف است.

۵. ارسال مستقیم لوائح قضایی به مجلس شورای اسلامی

این رویکرد - دیدگاه نگارندگان - معتقد است که رئیس قوه قضاییه به صورت مستقل می‌تواند لوائح قضایی را جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند و

۱. نظریه شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ تاریخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان مندرج در وبگاه رسمی شورای نگهبان به آدرس: <http://nazarat.shora-rc.ir/Default.aspx>

۲. جزء (۸) بند (ه) نظر شماره ۸۳/۳۰/۷۴۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۳/۳ شورای نگهبان.

۳. از مصادیق دیگر می‌توان به نظر شورای نگهبان در بند (۱۳) نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ در خصوص بررسی لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ اشاره کرد که به موجب این نظر: «طلاق واگذاری تهیه لایحه در ماده (۳۱)، در مواردی که لایحه قضایی مربوط به ضابطین امور قضایی است به هیأت وزیران و سلب اختیار از رئیس قوه قضاییه، مغایر بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.»

ارسال لایحه قضایی به دولت، نه به جهت رعایت تشریفات اصل (۷۴) قانون اساسی، بلکه تنها از جهت تعیین طرق جبران کاهش درآمد و یا تأمین هزینه‌های جدید لایحه و رفع ایراد مقدر با اصل (۷۵) قانون اساسی از سوی شورای نگهبان، قابل توجیه است. در این بند از مقاله، نگارندگان ضمن ارائه ادله مکفی در تأیید نظریه مختار، دیدگاه رقیب را نیز مورد نقد قرار خواهند داد.

۵-۱. استقلال قوا در ساختار جمهوری اسلامی ایران

تفکیک قوا به سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه، نتیجه دیدگاه‌های منتسکیو در کتاب روح‌القوانین است که این رویکرد نیز متأثر از نظرات فلاسفه یونان و جان لاک است.^۱ این اصل که در راستای نظارت و تعدیل قوا نسبت به همدیگر و توزیع قدرت بنیان نهاده شده، از ویژگی‌های اصلی حکومت‌های جمهوری بوده^۲ این اصل به جهت دفع فساد و سوءاستفاده از قدرت در حکومت و به جهت دفاع از حقوق و آزادی‌های مردم جامعه شکل گرفته است.^۳ مبتنی بر مبانی دینی و اسلامی، حکومت از آن خدا بوده و متصدیان و حاکم جامعه اسلامی بر اساس تقوا و کسب رضای الهی اعمال حاکمیت می‌کنند. حاکم اسلامی نیز با تنفیذ اختیارات به قوای سه‌گانه بر آنها و سازمان‌های حکومت اسلامی نظارت و کنترل داشته و از این جهت مانع از انباشت قدرت و فساد در میان حکومت اسلامی می‌شود. به همین خاطر منعی برای تداخل برخی از وظایف قوای سه‌گانه در جامعه اسلامی وجود ندارد.^۴ در همین راستا الگوی پذیرفته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، همان‌طور که در اصل ۵۷ به صراحت اشاره شده است، استقلال قواست؛ که بر اساس آن سه قوه در عرض هم و به صورت مستقل و تحت نظارت و کنترل رهبری عمل می‌کنند.^۵ بدین جهت واژه استقلال قوا در مقابل تفکیک قوا در قانون اساسی انتخاب شده است و به نحوی دخالت‌های هماهنگ‌کننده و تأثیرات متقابل سیاسی قوا نسبت به همدیگر را تا زمانی که به استقلال آنان ضربه نزنند، تجویز کرده است.^۶ قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و ششم، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۴.
۲. ترنس‌بال، ریچارد دگر، ایدئولوژی‌های سیاسی و آرمان دموکراتیک، مترجم: احمد صبوری، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲، ص. ۴۸.
۳. هاشمی، سیدمحمد، منبع پیشین، ص. ۶.
۴. مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ پانزدهم، انتشارات پایدار، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۷.
۵. صنّعی منفرد، محمدعلی، «استقلال قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، شماره ۲۲، ۱۳۸۰، ص. ۷۲.
۶. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص. ۲۷۴.

در اصل (۱۵۶)، قوه قضاییه را قوه‌ای مستقل معرفی می‌کند که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. استقلال قوه قضاییه مشتمل بر استقلال سازمانی و استقلال قضایی (قضات) است. لازمه استقلال سازمانی این قوه، انحصار صلاحیت این قوه و عدم ورود و دخالت سایر قوا در وظایف آن است. پذیرش الزام در ارسال لوایح قضایی دولت و اختیار دولت در تغییر، تعلیق و رد لوایح قضایی، مغایر با اصل استقلال قوا و در نتیجه اصل (۵۷) قانون اساسی است. مؤید این دیدگاه، ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۰۸ است که در آن «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضاییه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.» در غیر این صورت پذیرش اختیار مطلق دولت در تعلیق لوایح قضایی و رد آنها، مغایر با اصل استقلال قوا خواهد بود. زیرا از یک سو، تهیه لایحه قضایی مستلزم تخصص و تجربه در امور حقوقی و قضایی و نیازمند تهیه و اظهارنظر آن توسط قضات و حقوق دانان نظام قضایی است از سوی دیگر، مطابق با اصل استقلال و تفکیک قوا، قوه قضاییه به مثابه قوه مجریه دارای اعتبار اساسی و حاکمیتی است که این موضوع مستلزم برخورداری نظام قضایی از حق ابتکار لایحه و ارسال مستقیم آن به مجلس می‌باشد. بنابراین عدم پذیرش چنین حقی برای قوه قضاییه با وجود چنین اختیاری برای شورای عالی استان‌ها به موجب اصل ۱۰۰ قانون اساسی، چندان با هدف قانون‌گذار اساسی و مبانی اصل تفکیک قوا سازگاری ندارد.^۱

۵-۲. اصل ثبات و استمرار خدمات عمومی

منطبق با این اصل، ادارات و سازمان‌های عمومی می‌بایست به طور مستمر به عموم جامعه خدمت‌رسانی کنند و فعالیت آنها نباید متوقف و معلق شود.^۲ این اصل ریشه در تأمین نیازهای عمومی و دائمی جامعه دارد.^۳ همچنین در قانون اساسی مواردی وجود دارد که اگر شخصی نتواند به وظیفه تعیین شده در قانون اساسی عمل نماید، شخص یا اشخاصی جایگزین آن مقام مسئول می‌شوند. به عنوان مثال مطابق اصل (۱۳۱) در صورت فوت یا عزل رئیس جمهور، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس

۱. نجفی اسفاد، مرتضی؛ محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۱، صص. ۱۸۰-۱۸۱.

۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳، ص. ۲۳۸.

۳. موسی‌زاده، ابراهیم، حقوق اداری، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۹.

مجلس، رئیس قوه قضاییه و معاون اول رئیس جمهور موظف هستند ترتیبی دهند که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. یکی از اساسی‌ترین خدمت عمومی به جامعه، اجرای عدالت و حل و فصل دعاوی میان اشخاص و به عبارت دیگر خدمات قضایی است. شرط و انحصار تهیه و ارسال لوایح قضایی از طریق دولت به مجلس می‌تواند زمینه توقف و تعلیق امور قضایی و در نتیجه تضییع حقوق و آزادی‌های اجتماع و افراد و در نتیجه نقض اصل ثبات و استمرار خدمات عمومی را به همراه آورد.^۱

۵-۳. تفسیر معنایی واژه «لایحه» در اصل (۱۵۸) قانون اساسی و دیگر اصول قانون اساسی

نگارندگان بر این باورند که آنچه موجب ابهام در تشریفات شکلی تصویب لوایح قضایی شده است، خلط معنایی واژه «لایحه» در اصول (۷۴) و (۱۵۸) قانون اساسی است. این در حالی است که مدنظر قانون‌گذار اساسی، دو معنای متفاوت از این واژه بوده، به گونه‌ای که وضع ترکیب اضافی «لایحه قانونی» و «لایحه قضایی» در این دو اصل، از باب اشتراک لفظی میان آنهاست. تبیین لغوی «لایحه» نشان می‌دهد که اطلاق آن شامل هر نوع نوشته و مکتوبی است که متضمن پیشنهاد و پاسخ است.^۲ به همین خاطر در اصل سی و نهم قانون اساسی مشروطه به پیشنهادی که توسط پانزده نفر از نمایندگان مجلس طرح می‌شود لایحه اطلاق شده است.^۳ برداشت از اصول قانون اساسی نشان می‌دهد که اگر این پیشنهاد مکتوب به ترتیب از سوی دولت و یا رئیس قوه قضاییه ارائه شوند، «لوایح قانونی» و «لوایح قضایی» بر آنها اطلاق می‌شود. لازم به ذکر است در صورتی که این پیشنهاد مکتوب از سوی مجلس و یا شورای عالی استان ارائه شود، «طرح قانونی» و «طرح» نامیده می‌شود. بنابراین، لفظ «لایحه» صرفاً در معنای پیشنهاد دولت نیست تا اطلاق لوایح در اصل (۷۴) را شامل هر گونه پیشنهاد مکتوب از سوی مراجع دیگر که متضمن واژه لایحه است، بدانیم. اصل (۷۴) تنها بر این نکته تأکید می‌کند که پیشنهادات دولت برای تصویب در مجلس [بخوانیم لوایح قانونی]

۱. جمعی از پژوهشگران، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفسارهای سال ۱۳۹۲ برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴، ص. ۳۹۶.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، منبع پیشین، ص. ۲۴۳۲.

۳. اصل سی و نهم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۵: «هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقل پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند. در این صورت آن عنوان کتیباً به رئیس مجلس تقدیم می‌شود. رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاکره قرار بدهد.»

مستلزم تصویب هیأت وزیران است و رئیس جمهور و یا هر یک از وزیران به تنهایی و یا به صورت مشترک، حق ارائه لایحه قانونی به مجلس را ندارند. شورای نگهبان نیز با همین نگاه، به تفسیر لوایح قضایی پرداخته است و با تفکیک میان «لویح قضایی» و «غیرقضایی» در مقام پاسخ به تفاوت میان لوایح قضایی و لوایح قانونی، به تفاوت میان لوایح قضایی با سایر لوایح [در معنای پیش گفته] پرداخته است و منظور ایشان، از لوایح غیرقضایی، هر نوع لایحه و پیشنهاد دیگر برای تصویب قانون مانند لوایح قانونی دولت، طرح‌های شورای عالی استان‌ها و طرح‌های قانونی مجلس است. لذا بر خلاف دیدگاه برخی از نویسندگان،^۱ شورای نگهبان در این نظریه تفسیری به دنبال تبیین لوایح قضایی و غیرقضایی به عنوان مصادیق «لویح قانونی» موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی نیست. لازم به ذکر است که عنوان «قانونی» در اصول (۷۴) و (۷۵) قانون اساسی، بدین معناست که لایحه و طرح، متضمن پیشنهاد یک قانون است و چنین عنوانی از باب مجاز مشرفه است.^۲ لذا این استدلال که قانونی بودن یعنی رعایت تشریفات اصول (۷۴) و (۷۵) به گونه‌ای که تا لایحه‌ای از جمله لایحه قضایی به تصویب هیأت وزیران نرسد عنوان قانونی بودن به خود نمی‌گیرد،^۳ قابل پذیرش نیست. نتیجه آنکه، رئیس قوه قضاییه صلاحیت قانونی برای ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی را به صورت مطلق دارد. با این حال می‌تواند (به صورت اختیاری) در برخی از موارد لایحه قضایی را به هیأت وزیران ارسال کند این موضوع نه از جهت رعایت تشریفات قانونی اصل (۷۴) قانون اساسی، بلکه جهت رفع ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی و تنها برای جبران و یا تأمین درآمدها و هزینه‌های لایحه، انجام می‌شود و دولت حق هیچ‌گونه تغییر در ماهیت لایحه و یا توقف و تعلیق آن را ندارد. در ادامه لازم است که با پاسخگویی به شبهات مطرح در این زمینه، نظریه مختار را تقویت نماییم.

۵-۳-۱. شبهه اول: مغایرت صلاحیت ارسال مستقیم لوایح قضایی با

اصل (۷۴) قانون اساسی

پذیرش اختیار و صلاحیت رئیس قوه قضاییه در ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی، این شبهه را ایجاد می‌کند که این موضوع مغایر با فرایند اصل

۱. مرادی برلیان، مهدی، منبع پیشین، ص. ۳۳.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ هفتم، انتشارات گنج دانش،

۱۳۹۵، ص. ۳۰۸۸.

۳. پژوهشکده شورای نگهبان، مشروح مذاکرات شورای نگهبان درباره طرح الحاق یک تبصره به ماده ۳ قانون

وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه، ویراستار و مستندساز: محمدحسن باقری، ۱۳۹۳، ص. ۴۰.

(۷۴) قانون اساسی است. قائلان به این دیدگاه شرط «قانونی» شدن هر لایحه را تصویب هیأت وزیران دانسته و با استناد به واژه «تهیه» در اصل (۱۵۸) قانون اساسی، رئیس قوه قضاییه را صالح به «تصویب» لایحه قضایی نمی‌دانند.^۱ همان‌طور که در بخش‌های پیشین توضیح داده شد، این اختلاف ناشی از برداشت متفاوت از کلمه «لایحه» در اصول مختلف قانون اساسی است. در حالی که دیدگاه مختار در این تحقیق، عبارت «لوايح قانونی» را منصرف به پیشنهادات دولت در خصوص تهیه قانون دانسته و بر تشریفات صلاحیت دولت برای ارائه پیش‌نویس یک قانون در مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کند و این بدان معنا نیست که هر پیشنهادی مانند امور قضایی که متصف به واژه «لایحه» باشد، باید در مجرای اصل (۷۴) قرار گیرد.

۵-۳-۲. شبهه دوم: مغایرت ارسال مستقیم لایحه قضایی به مجلس با انحصار ارائه پیشنهادهای قانونی به شکل لوایح قانونی و طرح‌های قانونی در اصول (۷۴) و (۷۵) قانون اساسی

این تعبیر که رئیس قوه قضاییه تنها می‌تواند لایحه قضایی را «تهیه» کند و باید برای ارائه به مجلس آن را به «تصویب» هیأت وزیران برساند، قابل قبول نیست. این دیدگاه، ارائه پیشنهاد جهت تهیه قانون را تنها به دو شکل لوایح قانونی «دولت» و طرح‌های قانونی «مجلس» می‌داند. در پاسخ باید گفت که قانون‌گذار اساسی به صراحت در اصل (۱۰۲) قانون اساسی، حداقل شیوه سومی را نیز برای پیشنهاد قانون در مجلس شورای اسلامی پذیرفته است. به موجب این اصل، طرح‌های شورای عالی استان‌ها، به صورت مستقیم از طریق دولت و یا از طریق مجلس - بدون نیاز به امضاء پانزده نفر از نمایندگان شورای اسلامی - پیشنهاد و رسیدگی می‌شود. ضمن اینکه، قانون‌گذار اساسی در خصوص اینکه، ارائه طرح‌های شورای عالی استان‌ها از طریق دولت، به معنای رعایت یک فرآیند اداری و تسریع امور است و یا به معنای اجرای تشریفات اصل (۷۴) قانون اساسی، ساکت است.

با این حال نگارندگان به استناد ادله اظهاری خود، معتقدند که پیشنهاد پیش‌نویس قانون به مجلس شورای اسلامی در انحصار دولت و یا مجلس و تنها به شکل لوایح قانونی و طرح‌های قانونی نیست بلکه، قانون‌گذار اساسی، دو شکل دیگر از جمله ارائه لوایح قضایی از سوی رئیس قوه قضاییه و همچنین طرح‌های شورای عالی استان‌ها را نیز پذیرفته است.

۱. الهام، غلامحسین؛ ابریشم‌کش، محمدامین، «نقد نظر شورای نگهبان در خصوص امکان ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۳، ص. ۶۳.

۵-۳-۳. شبهه سوم: مغایرت ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس با اصل (۷۵) قانون اساسی

برخی از نویسندگان، ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس را در مواردی که لایحه قضایی متضمن بار مالی برای دولت باشد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی دانسته و این موضوع را ابزاری جهت تحمیل فشار به دولت از سوی قوه قضاییه می‌دانند.^۱ این رویکرد حکم موضوع اصل (۷۵) را تنها ظهور در طرح‌ها و پیشنهادات مجلس دانسته و لوایح قضایی را از شمول آن مستثنی می‌داند^۲ و با استناد به بند (۳) نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان که اشعار می‌دارد «هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این‌گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضاییه مجاز می‌باشد»، بر این نکته تأکید می‌کنند که منظور از امور غیرقضایی همان امور مالی است که هیأت وزیران صلاحیت تغییر و تعدیل آن را دارد و شورای نگهبان به صورت ضمنی بر رعایت اصل (۷۵) از طریق اجرای تشریفات اصل (۷۴) اشاره می‌کند.

در پاسخ به این ایراد باید گفت که اشکال مزبور در خصوص طرح‌های شورای عالی استان‌ها که به مجلس پیشنهاد شده‌اند و متضمن بار مالی برای دولت هستند نیز وارد است، زیرا با توجه به توضیحات قبل، طرح‌های مزبور از نوع طرح‌های قانونی موضوع اصل (۷۵) قانون اساسی نیستند. از سوی دیگر در تفسیر قانون اساسی باید به هدف و فلسفه قانون‌گذار نیز اشاره کرد. از آنجا که تهیه بودجه سنواتی کل کشور و تأمین منابع مالی برنامه‌های دولت (در معنای عام و شامل هر سه قوه) و مطابق اصل (۵۲) قانون اساسی، بر عهده دولت است. عقلانیت قانون‌گذاری ایجاب می‌کند که هر گونه قانون مصوب مجلس که متضمن تغییرات مالی در بودجه پیش‌بینی‌شده دولت باشد، با هماهنگی دولت و یا رفع مشکلات مالی آن از طریق تعیین ردیف بودجه، مرتفع شود. قانون‌گذار اساسی نیز به این موضوع در اصل (۷۵) قانون اساسی اشاره کرده است و به نظر می‌رسد که به هیچ عنوان در مقام بیان انحصار رفع این مشکل تنها در طرح‌ها و لوایح قانونی مجلس و دولت نباشد و اشاره به این دو نوع «لایحه» [در معنای عام] تنها از جهت غالبیت پیشنهادی آنها به مجلس بوده است. بنابراین، تصویب لایحه قضایی و یا طرح‌های پیشنهادی شورای عالی استان‌ها که متضمن بار مالی برای دولت هستند یا با موافقت نماینده دولت در مجلس و یا با تعیین ردیف مکفی از بودجه از سوی نمایندگان مجلس امکان‌پذیر خواهد بود.

۱. جمعی از پژوهشگران، منبع پیشین، ص. ۳۹۶.

۲. الهام، غلامحسین، منبع پیشین، ص. ۷۱.

به نظر می‌رسد که از جهت عملی، استدلال این دسته از نویسندگان و الزام به تصویب لوایح قضایی در هیأت وزیران جهت رفع ایرادات مالی لایحه، با مشکل مواجه خواهد شد. مطابق ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۰۸: «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می‌شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.» اما از آنجا که در دولت دهم در برخی مواقع این لوایح به مجلس ارسال نمی‌شد، یک تبصره به این ماده الحاق گردید؛ که بر اساس تبصره الحاقی (مصوب ۱۳۹۲/۰۷/۳۰) به این ماده «در صورتی که دولت در مدت مذکور نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند.» حال، در صورتی که لایحه قضایی متضمن کاهش درآمد و یا افزایش هزینه‌های دولت باشد و دولت در این خصوص هیچ‌گونه اظهارنظری نکرده باشد، ارسال لایحه مزبور از سوی رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است. لیکن، شورای نگهبان با تأیید تبصره مزبور، دیدگاه مذکور را نپذیرفته است. بنابراین در صورتی که لایحه قضایی متضمن ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی باشد، با موافقت نماینده دولت در زمان طرح لایحه در مجلس شورای اسلامی و یا تعیین ردیف و محل جبران و یا تأمین کاهش درآمد و هزینه‌های لایحه، قابل رفع است.

۴-۳-۵. شبهه چهارم: مغایرت ارسال مستقیم لوایح قضایی با بند دوم اصل (۱۵۸) قانون اساسی

یکی دیگر از استدلال‌های مطرح در زمینه مغایرت صلاحیت ارسال مستقیم لوایح قضایی با قانون اساسی، قید «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران» در بند (۲) اصل (۱۵۸) است؛ با این استدلال که از قید «تهیه» در بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی این‌گونه برداشت نمی‌شود که این اصل به غیر از «تهیه» لوایح قضایی، «تصویب» لوایح قضایی را نیز بر عهده رئیس قوه قضائیه گذارده باشد. بلکه منظور از «تهیه لوایح»، تدوین و آماده کردن لایحه است و نه تصویب آن.^۱ در پاسخ باید گفت که «تصویب» به معنای تأیید کردن، صواب دیدن، درست شمردن^۲ و به درستی چیزی حکم کردن است.^۳ هر چند از لحاظ اصطلاحی، عبارت «تصویب کردن» مرادف با «رأی

۱. پژوهشکده شورای نگهبان، منبع پیشین، ص. ۴۷.

۲. دهخدا، علی اکبر، منبع پیشین، ۱۳۸۵، ص. ۷۴۷.

۳. معین، محمد، منبع پیشین، ص. ۱۰۹۳.

دادن اکثریتی از مراجع اداری یا قانون‌گذاری چون مجلس شورا در اجرا یا عدم اجرای امری» است. لیکن، در ادبیات تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران برای اعمال فعل «تصویب»، نصاب اکثریت ضروری نبوده و در مواردی از جمله اعمال برخی از وظایف رئیس قوه قضاییه در مقررات جمهوری اسلامی نیز واژه تصویب استعمال می‌شود.^۱ از سوی دیگر در قانون اساسی و به استناد اصل (۱۰۲) کلمه «تهیه» به معنای تصویب کردن، استعمال شده است. مطابق با اصل مزبور، «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً ... به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند ...» که منظور از تعبیر «تهیه طرح» در این اصل، آماده کردن و تصویب طرح است که شورای عالی استان‌ها حق دارد بدون آنکه طرح را به دولت ارسال نماید و یا امضای ۱۵ نفر از نمایندگان اخذ کند، مستقیماً به مجلس پیشنهاد دهد.

انصراف «تهیه لوایح» به آماده کردن پیش‌نویس لایحه با استقلال قوه قضاییه مغایرت دارد. قوه قضاییه یکی از قوای اساسی نظام جمهوری اسلامی است که دارای وظایف مهم و تخصصی از جمله «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات»، «تعقیب و مجازات مجرمین و اجرای مقررات کیفری» و همچنین نظارت قضایی بر رعایت اصل حاکمیت قانون توسط قوه مجریه و حمایت از حقوق شهروندان در قبال سوءاستفاده از قدرت و تجاوز به حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی توسط مقامات و مأمورین قوه مجریه را بر عهده دارد که اعمال چنین وظایفی مستلزم تأمین استقلال سیاسی، مالی و اداری لازم برای این قوه است و با پذیرش این استقلال به موجب اصل (۵۷) قانون اساسی، چگونه ممکن است که این قوه در راستای تصویب تخصصی‌ترین وظایف خود از جمله لوایح قضایی و مقررات مربوطه اختیاری نداشته باشد؟ و تصور اینکه قانون‌گذار اساسی، برای شورای عالی استان‌ها، به عنوان یک نهاد فرعی، صلاحیت تصویب را به رسمیت شناخته باشد، لیکن، از یکی از ارکان نظام خود غافل شده باشد، قدری مشکل است. لذا، هر گونه برداشت دیگری از عبارت «تهیه لوایح» از جمله «آماده کردن پیش‌نویس» لوایح قضایی با هدف قانون‌گذار اساسی، رویه تقنینی جمهوری اسلامی ایران و منطق قانون اساسی در تغایر است و در نتیجه اقدامات رئیس قوه قضاییه در تهیه لایحه قضایی می‌تواند کاملاً عبث و بی‌فایده تلقی گردد.^۲

از سوی دیگر، از لوازم صلاحیت تصویب یک لایحه و یا پیشنهاد قانون، اختیار اعمال تغییرات ماهوی و شکلی در آن پیشنهاد است، بنابراین اگر دولت صلاحیت

۱. به عنوان نمونه آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های که به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسند.

۲. جمعی از پژوهشگران، منبع پیشین، ص. ۳۹۸.

تصویب لوایح قضایی را داشته باشد، باید بتواند ماهیت و یا شکل آن را تغییر و یا آن را تعلیق و رد کند. این در حالی است که به استناد نظریه تفسیری شورای نگهبان، دولت اختیار اعمال تغییرات در امور قضایی را ندارد و هر گونه تغییر نیز باید با جلب موافقت و نظر رئیس قوه قضاییه باشد. همچنین، دولت به استناد قانون اختیار رد و یا تعلیق لوایح قضایی را نیز ندارد. شورای نگهبان نیز در بسیاری از نظرات خود در بررسی لوایح قضایی، اعمال تغییرات دولت در لوایح را مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی دانسته و دولت را موظف به جلب نظر ریاست قوه قضاییه کرده است. نکته قابل تأمل اینجاست که در این گونه موارد پس از تأیید رئیس قوه قضاییه، لایحه بدون طرح مجدد در هیأت وزیران به مجلس شورای اسلامی عودت داده شده است.^۱ به عبارت دیگر در این موارد، رویه عملی نشان داده است که صلاحیت ارسال مستقیم مصوبات رئیس قوه قضاییه به مجلس شورای اسلامی اعمال می‌شود. از دیگر مصادیق این رویه می‌توان به اظهار نظر شورای نگهبان در خصوص لوایح «مبارزه با قاچاق کالا و ارز»^۲ و «مبارزه با تأمین مالی تروریسم»^۳ مبنی بر مغایرت آنها با بند (۲) اصل (۱۵۸) و الزام به تأیید و اخذ نظر رئیس قوه قضاییه در مورد آنها اشاره کرد.

مطابق با اصل (۵۲) قانون اساسی، وظیفه تهیه بودجه سالانه کشور و تغییرات نهایی آن و «تصویب» در هیأت دولت، بر عهده و در اختیار دولت است. به همین علت، قانون‌گذار در اصل مزبور به جای استعمال واژه «پیشنهاد» از کلمه «تهیه» بهره برده است. از سوی دیگر، قانون‌گذار عادی در بند (ج) ماده (۱) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸ از الزام «پیشنهاد» بودجه سالیانه قوه قضاییه از سوی رئیس قوه قضاییه به هیأت وزیران اشاره کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که پیشنهاد بودجه سالانه قوه قضاییه مستلزم اقدامات و تغییرات ماهوی دیگر یعنی «تهیه» (=تصویب) در هیأت دولت است. به همین خاطر اشاره قانون‌گذار اساسی به واژه «تهیه» لوایح قضایی به جای «پیشنهاد» آن، در بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی، ناشی از دقت قانون‌گذار اساسی در شناسایی وظیفه «تصویب» لوایح قضایی توسط

۱. به عنوان نمونه می‌توان به ایراد مغایرت اصل ۱۵۸ قانون اساسی نسبت به لایحه قاچاق کالا و ارز و اصلاحیه مجلس در خصوص رفع این مغایرت اشاره کرد (بند الف) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸ شورای نگهبان) که در مصوبه اصلاحی، مجلس تنها به تأمین نظرات اصلاحی رئیس قوه قضاییه، بدون ارسال مجدد لایحه به هیأت وزیران، اشاره کرد.

۲. نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸ شورای نگهبان در خصوص مرحله اول بررسی لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

۳. نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۲ شورای نگهبان در خصوص مرحله اول بررسی لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم.

رئیس قوه قضاییه و ارسال مستقیم آن به مجلس شورای اسلامی است. همچنین در بسیاری از مقررات و قوانین بعد از کلمه «پیشنهاد» عبارت و فرآیند «تصویب» به کار رفته است.^۱ لازم به ذکر است که در ماده (۳) قانون مزبور، تنها دولت موظف شده است که لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضاییه به آن تهیه و تحویل داده می‌شود را حداکثر ظرف مدت سه ماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند و در این ماده هیچ اشاره‌ای به تصویب یا بررسی و ... توسط هیأت وزیران نشده است.



۱. به عنوان نمونه می‌توان به ماده (۲۸) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اشاره کرد. هر چند که این موضوع نمی‌تواند به عنوان یک دلیل متقن استناد شود. زیرا در برخی از مقررات نیز بعد از واژه «تهیه» عبارت «تصویب» به کار رفته است، لیکن، می‌تواند مؤید و قرینه‌ای بر نظریه مختار باشد.

نتیجه‌گیری

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران است. لوایح قضایی از مصادیق لوایح قانونی دولت نیست تا بخواهیم رعایت تشریفات اصل (۷۴) قانون اساسی را در مورد آن الزامی بدانیم. به همین خاطر رئیس قوه قضائیه به صورت مستقل می‌تواند لوایح قضایی را به مجلس شورای اسلامی ارسال کند. همچنین اختیار رئیس قوه قضائیه در ارسال لوایح قضایی به هیأت وزیران تنها از جهت رفع ایرادات اصل (۷۵) قانون اساسی، قابل توجیه است. به گونه‌ای که در این موارد دولت حق هیچ‌گونه تغییر در لایحه و یا تعلیق و رد آن را ندارد. تبیین واژه لایحه، استقلال قوه قضائیه و نظرات شورای نگهبان در تأیید تبصره الحاقی به ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۸۷ مؤید دیدگاه مختار است. ضمن اینکه ایراد مغایرت اصل (۷۵) لوایح قضایی که به صورت مستقیم از سوی رئیس قوه قضائیه به مجلس ارسال می‌شود، با موافقت نماینده دولت در زمان طرح لایحه در مجلس و یا تعیین ردیف و محل مالی برای لایحه مرتفع خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- الهام، غلامحسین؛ ابریشم‌کش، محمدمین، «نقد نظر شورای نگهبان در خصوص امکان ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم، ۱۳۹۳.
- بابایی، پرویز، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، چاپ اول، انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.
- پژوهشکده شورای نگهبان، مشروح مذاکرات شورای نگهبان درباره طرح الحاق یک تبصره به ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه، ویراستار و مستندساز: محمدحسن باقری، ۱۳۹۳.
- ترنس‌بال، ریچارد دگر، ایدئولوژی‌های سیاسی و آرمان دموکراتیک، مترجم: احمد صبوری، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- _____، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، چاپ هفتم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.
- جمعی از پژوهشگران، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۲ برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴.
- دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، چاپ اول، زیر نظر دکتر سیدجعفر شهیدی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۸۵.
- صنیعی منفرد، محمدعلی، «استقلال قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، شماره ۲۲، ۱۳۸۰.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- _____، حقوق اساسی، چاپ چهاردهم، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ سی و ششم، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- _____، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- مدنی، سید جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ پانزدهم، انتشارات پایدار، ۱۳۸۹.
- مرادی برلیان، مهدی، مفهوم لوایح قضایی و آثار حقوقی آن، پژوهشگاه قوه قضاییه، انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، ۱۳۹۴.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ بیست و پنجم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، نشر دادگستر، ۱۳۹۱.

-
- موسی‌زاده، ابراهیم، حقوق اداری، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۹۱.
 - نجفی اسفاد، مرتضی؛ محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۱.
 - هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، جلد دوم، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۳.

